

Prophetic Housing Policy and Its Implications for Solving the Housing Problem in Iran

 Seyed Javad Mirzazadeh, Qasab kulaie / PhD student in economics, IKI

Mohammad Javad Tavakoli / Professor, Department of Economics, IKI

s.j.m.z.1390@gmail.com

tavakoli@iki.ac.ir

Received: 2024/08/06 - Accepted: 2024/08/06

Abstract

The prophetic conducts in solving the housing problem of immigrants, with the participation of the government and the people, is a clear example of the combination of the two strategies of "government support" and "strengthening social solidarity." By implementing the policy of "allocating land to homeless families" and "creating shelters for the poor," the Holy Prophet (PBUH) provided them with the support of the Islamic state and, by temporarily settling the immigrants in the homes of the Ansar, provided the basis for public participation in solving the housing problem. Using a descriptive-analytical method and relying on library documents, the research findings show that the approach of the Prophet Muhammad (P.B.U.H.H.H) can have implications for solving the housing challenge in Iran. In this context, in addition to strengthening public cooperation and utilizing the capacity of benefactors and endowments, a policy of expanding the supply of land for housing construction can be used, while observing the requirements of land planning and creating temporary and affordable settlements for the deprived groups. Instead of housing development companies, the land can be given to individuals themselves so that they can gradually build the housing they need. One of the requirements for this work is to move away from the vertical housing development approach towards horizontal development and adopt a grassroots approach to housing construction. Strengthening social takaful in the housing sector requires developing a cultural attachment to housing and using all educational and media capacities.

Keywords: Housing, Prophetic housing policymaking, Iranian economy.

سیاست گذاری مسکن نبوی (سیاست گذاری رسول خدا ﷺ در حوزه مسکن) و دلالت های آن برای حل مشکل مسکن در ایران

✉ سیدجواد میرزازاده قصابکلایی  دانشجوی دکتری اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉ s.j.m.z.1390@gmail.com

محمّدجواد توکلی / استاد گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉ tavakoli@iki.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶ - پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۸

چکیده

سیره نبوی در حل مشکل مسکن مهاجران، با مشارکت دولت - مردم، مصداق بارزی از ترکیب دو راهبرد «حمایت دولت» و «تقویت تکافل اجتماعی» است. پیامبر گرامی ﷺ با اجرای سیاست «واگذاری زمین به خانوارهای فاقد مسکن» و «ایجاد سکونت گاه صفه برای اقشار ضعیف»، آنها را از حمایت دولت اسلامی بهره مند کردند و با اسکان موقت مهاجران در منزل انصار، زمینه مشارکت عمومی را برای حل مشکل مسکن فراهم نمودند. یافته های مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی و متکی بر اسناد کتابخانه ای به دست آمده است، نشان می دهد رویکرد پیامبر اکرم ﷺ می تواند دلالت هایی برای حل چالش مسکن در ایران داشته باشد. در این زمینه می توان علاوه بر تقویت همیاری عمومی و استفاده از ظرفیت خیران و واقفان، از سیاست عرضه گسترده زمین برای ساخت مسکن با رعایت اقتضائات آمایش سرزمین و ایجاد سکونت گاه های موقت و ارزان برای اقشار محروم استفاده کرد. نیز می توان به جای شرکت های مسکن ساز، زمین را به خود افراد واگذار کرد تا به تدریج مسکن مورد نیاز خود را بسازند. از لوازم این کار، فاصله گرفتن از رویکرد توسعه عمودی مسکن به سمت توسعه افقی و اتخاذ رویکرد مردمی در ساخت مسکن است. برای تأمین مالی ساخت مسکن نیز می توان از ظرفیت های همیاری و مشارکت عمومی بهره گرفت. تقویت تکافل اجتماعی در حوزه مسکن مستلزم تدوین پیوست فرهنگی مسکن و استفاده از تمام ظرفیت های آموزشی و رسانه ای است.

کلیدواژه ها: مسکن، سیاست گذاری مسکن نبوی، رسول خدا ﷺ در حوزه مسکن، اقتصاد ایران، مشکل مسکن در ایران.

مقدمه

پیامبر اکرم علیه السلام در ابتدای هجرت و تشکیل حکومت، با مشکل تأمین مسکن برای جمعیت گسترده و بی‌خانمان مهاجر مواجه بودند. ورود تعداد زیادی از مهاجران به مدینه می‌توانست مشکلات زیادی برای اقتصاد بخش مسکن ایجاد کند. با افزایش تقاضا برای مسکن در مدینه، اجاره‌بهای درخواستی صاحبان ملک می‌توانست افزایش یابد و فشار زیادی را به مهاجران وارد کند؛ کسانی که اموال خود را رها کرده بودند و از توان مالی لازم برخوردار نبودند. این فضا می‌توانست باعث ایجاد سوداگری در بازار ملک مدینه شود. به این نکته باید فضای اختلافات قومی و قبیله‌ای رایج در آن عصر را نیز اضافه کرد که می‌توانست موجب افزایش سودجویی در بازار مسکن شود.

این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس اسناد و منابع کتابخانه‌ای، چگونگی مواجهه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با این مشکل را بررسی کرده است. سؤال پیش‌رو این است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم از چه راهبردها و راهکارهایی برای حل این مشکل در کوتاه‌مدت و بلندمدت استفاده کردند؟ پاسخ به این سؤال‌ها می‌تواند رهیافت‌هایی برای مواجهه با مشکل مسکن در اقتصاد ایران در برهه کنونی داشته باشد؛ برهه‌ای که قیمت مسکن و اجاره‌بها به شدت بالا رفته است. علاوه بر آن، بر اساس آمارهای اعلامی، تعداد زیادی مسکن خالی در کشور وجود دارد که برای اجاره عرضه نمی‌شود و همین فشار زیادی را به بازار مسکن وارد کرده است.

این پژوهش ابتدا مشکل مسکن مهاجران در صدر اسلام را بررسی کرده است. سپس با تکیه بر استنادات تاریخی، راهبردها و راهکارهای بلندمدت و کوتاه‌مدت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای مواجهه با این چالش را بیان نموده است. در انتها نیز دلالت‌های سیاستی سیره نبوی برای برون‌رفت از وضعیت کنونی مسکن در ایران مطرح شده است.

در موضوع سیاست‌گذاری رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حوزه مسکن، پژوهش‌های مستقل و مبسوط کمی صورت گرفته است. برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه سیره نبوی در زمینه مسکن عبارت است از:

مقاله «إقطاع»، به بررسی مسئله اقطاع در عصر پادشاهان ایران و خلفای اسلامی پرداخته است. وی به اختصار به اقطاع پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از زمین‌های انصار برای ساخت مسکن مهاجران اشاره کرده است.^۱

مقاله «إقطاع در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»، انواع اقطاع در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بررسی کرده است. نویسنده بخش مختصری را به «إقطاع الدور» و واگذاری زمین برای ساخت مسکن از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اختصاص داده و منبع زمین‌های اقطاعی را هبة انصار به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دانسته است.^۲

مقاله «تحلیلی بر شیوه مواجهه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با چالش‌های مهاجران در مدینه (مطالعه موردی: کمبود مسکن، فقر و بیکاری)»، شیوه مواجهه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با چالش‌های مهاجران در مدینه را تحلیل و بررسی کرده است. وی به صورت

۱. صادق سجادی، اقطاع، دانشنامه ایران.

۲. جمال موسوی، اقطاع در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.

موردی به مطالعهٔ معضلات کمبود مسکن، فقر و بیکاری در آن دوره اشاره نموده است. نویسنده شیوهٔ مواجههٔ پیامبر ﷺ را به دو نوع کوتاه‌مدت (مسکنی) و بلندمدت (درمانی) تقسیم کرده است. پژوهش مذکور به اجمال به اقطاع النبی برای ساخت مسکن اشاره کرده و زمین‌های اقطاعی را غالباً هدیهٔ انصار دانسته است.^۱

پژوهش حاضر به‌طور مستقل و مبسوط و مبتنی بر استنادات گستردهٔ تاریخی، چالش مسکن مهاجران در سال‌های اولیهٔ هجرت و راهبردها و راهکارهای نبوی برای حل آن را بررسی و تحلیل کرده و رهیافت‌ها و دلالت‌های آن برای حل معضل مزمین کشور در حوزهٔ مسکن را ارائه داده است.

۱. مشکل مسکن مهاجران در مدینه

با افزایش فشارها و شکنجه‌های کفار مکه بر پیامبر ﷺ و مسلمانان، آنها ناگزیر از هجرت به مدینه شدند؛^۲ بعضی به‌صورت مجردی و بعضی دیگر با خانواده پا به مدینه گذاشتند.^۳ مسلمانان مهاجری که خانه و کاشانه و تمام دارایی‌های خود را در مکه رها کردند و به مدینه پناهنده شدند،^۴ در این شهر از کمترین ضروریات زندگی، اعم از شغل، خوراک، پوشاک و مسکن بی‌بهره بودند.^۵ در این میان، مشکل مسکن دغدغه‌ای فوری در هنگام ورود به این شهر غریب و مقدم بر سایر مشکلات آنان بود.

آمار دقیق یا حتی تقریبی از جمعیت کل مدینه، جمعیت مسلمانان و نیز جمعیت مهاجرانی که وارد مدینه شدند در مستندات تاریخی ذکر نشده است. برخی محققان با استفاده از شمار سپاهیان اسلام در جنگ‌های متعدد دههٔ اول هجرت و با در نظر گرفتن میانگین پنج تن برای هر خانوار، جمعیت مسلمانان در سال سوم هجری را ۱۲٫۰۰۰ تن (دوهزار خانوار) و در سال پنجم ۱۸٫۰۰۰ تن (سه‌هزار خانوار) تخمین زده‌اند.^۶ با توجه به رشد تخمینی پنجاه درصدی جمعیت مسلمانان در سال پنجم نسبت به سال سوم، اگر همین رشد را به‌طور تقریبی برای سال سوم نسبت به سال اول حساب کنیم، جمعیت مسلمانان در سال اول هجری قریب ۸٫۰۰۰ (۱٫۳۵۰ خانوار) تخمین زده می‌شود.

برای تخمین جمعیت مهاجران نسبت به کل مسلمانان مدینه، می‌توان از آمار جنگجویان غزوهٔ بدر در سال دوم هجرت و جمعیت حاضر در فتح مکه در سال هشتم کمک گرفت. برخی مورخان تعداد انصار و مهاجران حاضر در این جنگ‌ها را ذکر کرده‌اند.

۱. بهمن زینلی، «تحلیلی بر شیوه مواجههٔ پیامبر ﷺ با چالش‌های مهاجران در مدینه (مطالعه موردی: کمبود مسکن، فقر و بیکاری)».

۲. محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۷۵؛ عبدالملک ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۶۸.

۳. عبدالملک ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۷۶-۴۶۸.

۴. حشر: ۸.

۵. عبدالملک ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۷۷.

۶. ر.ک. سیدکاظم صدر، اقتصاد صدر اسلام، ص ۳۸-۴۱.

یعقوبی شمار مسلمانان در غزوه بدر را ۳۰۰ تن، مشتمل بر ۲۳۲ انصاری و ۶۸ مهاجر دانسته است؛^۱ یعنی انصار قریب چهارونیم برابر مهاجران بودند. برخی شمار مهاجران و انصار در حادثه فتح مکه را - به ترتیب - ۷۰۰ و ۴,۰۰۰ مرد برشمرده‌اند؛^۲ یعنی انصار قریب پنج‌ونیم برابر مهاجران بودند، گرچه برخی دیگر در این آمار خدشه کرده‌اند.^۳ بر اساس این شواهد تاریخی، مهاجران تقریباً بین ۱۰ تا ۲۰ درصد مسلمانان مدینه را تشکیل می‌دادند.

البته چون مهاجران به تدریج وارد مدینه شدند و در سال‌های اولیه هجرت خانواده بسیاری از مهاجران هنوز در مکه بودند، تخمین میزان جمعیت مسلمانان در سال اول یا دوم هجرت با تورش و خطای زیادی همراه است. علاوه بر این، با توجه به سکونت یهودیان در مدینه، برآورد جمعیت مسلمانان نسبت به کل جمعیت مدینه دشوار یا حتی غیرممکن است. اگر جمعیت مهاجران نسبت به کل مسلمانان را ۲۰ درصد در نظر بگیریم، از ۱,۳۵۰ خانوار تقریبی مسلمانان در سال اول هجری، ۲۷۰ خانوار متعلق به مهاجران بوده است. اگر سهم مهاجران مدینه را دست کم ۱۰ درصد بدانیم، آنها قریب ۱۳۵ خانوار از ساکنان مدینه را تشکیل می‌دادند. با این حال، برای رعایت جانب احتیاط و البته با ملاحظه برخی شواهد آماری، می‌توان تعداد خانوارهای مهاجران را دست کم ۱۰۰ خانوار (۵۰۰ تن، با احتساب میانگین ۵ تن برای هر خانوار) برآورد کرد.

این برآورد را می‌توان با آمار ۴۰۰ نفری اهل صفه که بیشترشان از مهاجران فقیر بودند،^۴ تعداد حداقل ۷۰ نفری که ابن هشام از آنها (و برای بعضی با تعبیر «به همراه خانواده، قوم و فرزندان») نام می‌برد^۵ که در رویداد «مؤاخات» ۵۰ تن از مردان آنها با انصار پیمان برادری بستند،^۶ و تعداد دست کم ۳۰,۲۰ نفری که در مستندات تاریخی به نام آنها برای دریافت زمین برای ساخت مسکن تصریح شده^۷ و نیز با احتساب جاماندگانی که به تدریج ملحق می‌شدند، مستند دانست. اگر جمعیت کل مدینه با احتساب یهودیان را ۲,۰۰۰ خانوار لحاظ کنیم، ۱۰۰ خانوار مهاجر قریب ۵ درصد جمعیت مدینه را تشکیل می‌دادند.

با توجه به محاسبات انجام‌شده، بین ۱۰۰ تا ۲۷۰ خانوار نیازمند مسکن به مدینه مهاجرت کردند که سهمی بین ۵ تا ۲۰ درصد جمعیت مدینه را تشکیل می‌دادند. روشن است که ورود چنین حجمی از متقاضیان مسکن، می‌توانست شوک بزرگی به بازار مسکن مدینه وارد کند. وقتی قریب ۱۰۰ خانوار به یکباره وارد بازار مسکن منطقه‌ای گردند و

۱. احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۵.

۲. ابوالفرج حلبی شافعی، السيرة الحلییه، ج ۳، ص ۱۱۰؛ محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۸۰۰.

۳. سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحيح من سيرة النبی الأعظم ﷺ، ج ۲۱، ص ۲۲۱.

۴. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۶۶۶.

۵. عبدالملک ابن هشام، السيرة النبویه، ج ۱، ص ۴۶۸-۴۸۰.

۶. محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۳۸.

۷. ر.ک. علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول ﷺ، ج ۱، ص ۳۵۰.

متقاضی فوری اجاره و یا حتی خرید مسکن شوند، تقاضا به شدت افزایش می‌یابد. علاوه بر آن، چون ثروت مدینه در دست رباخواران و سرمایه‌داران بود، روشن است که صفت سودجویی و سوداگری آنها در شرایطی که جمعیت زیادی نیاز به اسکان فوری دارند، می‌توانست موجب شود که آنها خانه‌ها یا اتاق‌های خالی خود را با قیمت و اجاره گزاف در اختیار بی‌خانمان‌ها بگذارند. از این رو این احتمال وجود داشت که ثروت‌اندوزی و نفع‌طلبی سرمایه‌داران رباخوار مدینه بر فضای سوداگری و تورم بازار مسکن دامن بزند.

آمار دقیق یا تخمینی از تعداد منازل مسکونی و نیز میزان اجاره‌نشینی در مدینه در دسترس نیست. چه‌بسا افرادی چندین خانه داشتند؛ چنان‌که دربارهٔ حارثه بن نعمان نقل شده است که نه تنها به حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام اسکان داد، بلکه خانه‌هایی را نیز در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله برای سکونت همسرانش قرار داد.^۱ اما اینکه آیا تمام ساکنان پیش از هجرت، صاحب خانه بودند و یا برخی در خانه‌های اجاره‌ای سکونت داشتند، سؤال است که به سختی می‌توان از مستندات تاریخی پاسخی برای آن یافت.

ولی با توجه به زندگی قبیله‌ای اعراب در آن زمان و برخورداری از حمایت‌ها و تعصبات قبیله‌ای و با توجه به اینکه مدینه شرایط مناسب‌تری برای کشاورزی و دامداری و کسب درآمد داشت و مصالح ساخت خانه که از گل و خشت و چوب و برگ درخت خرما و پشم حیوانات و مانند آن بود^۲ و این اقلام نیز به وفور یافت می‌شد و همچنین با توجه به سادگی و کم‌هزینه‌گی ساخت خانه در آن زمان، دور از ذهن نیست که بیشتر یا تمام خانوارها از مسکن برخوردار بوده باشند.

به نظر می‌رسد با توجه به زندگی ساده و بدون امکانات رفاهی در آن زمان و ساخت خانه با مصالح در دسترس از گل و درخت خرما، مسئله اصلی در بخش مسکن، تهیه زمین بود. چون دولت و حکومت مرکزی وجود نداشت و قبایل می‌توانستند با نزاع و زور زمین‌ها و ثروت‌های عمومی را تصاحب کنند و نیز با توجه به گستردگی زمین‌های بایر و موات، شاید بتوان گفت: مشکل چندانی در زمینه تهیه مسکن وجود نداشت و بازار مسکن با چالش مواجه نبود. آنچه می‌توانست چالش ایجاد کند شوک ناگهانی به این بازار بود که با ورود جمعیت نسبتاً زیاد مهاجران به مدینه، امری طبیعی می‌نمود.

۲. راهبردهای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مواجهه با مشکل مسکن

رسول خدا صلی الله علیه و آله برای حل مشکل مسکن مسلمانان هنگام هجرت به مدینه، در کنار سیاست‌های درآمدی و رفاهی برای افزایش سطح درآمد و قدرت خرید یا ساخت مسکن، کوشیدند تا از ظرفیت دولت و مردم برای غلبه بر این مشکل استفاده کنند. این سیاست مبتنی بر استفاده از «ظرفیت مردمی و سرمایه اجتماعی» و «ظرفیت دولتی و ثروت‌های عمومی» در قالب دو راهبرد «تقویت همیاری و تکافل اجتماعی» و «حمایت دولتی» بود. ایشان به پشتوانه فعال‌سازی این دو اهرم کارآمد در اقتصاد اسلامی کوشیدند مشکل مسکن را در کوتاه‌مدت و بلندمدت حل کنند.

۱. سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم صلی الله علیه و آله، ج ۶ ص ۳۱۵.

۲. عبدالحی کتانی، نظام الحکومة النبویه، ج ۲، ص ۳۸.

پیامبر اعظم ﷺ با اجرای این سیاست، تولید و عرضه مسکن را افزایش دادند و نگذاشتند تقاضای ناگهانی و گسترده مهاجران برای مسکن باعث ایجاد شوک در بازار مسکن و افزایش قیمت آن شود. در این زمینه، آن حضرت از راهکارهایی همچون «إقطاع الدور» (واگذاری زمین برای ساخت مسکن) و «جلب مشارکت مردم برای اسکان موقتی و تأمین مسکن دائمی» استفاده کردند.

۲-۱. تقویت همیاری عمومی

یکی از جلوه‌های برجسته سیاست‌گذاری مسکن استفاده از مشارکت مردمی برای حل مشکل اسکان مهاجران بود. برای این منظور، ایشان کوشیدند تا از راهکارهایی همچون درخواست اسکان موقت مهاجران در منزل انصار و زمینه‌سازی فرهنگی برای آن با ایجاد «پیمان برادری بین مهاجران و انصار» استفاده کنند. همچنین ایشان زمینه ایجاد سکونت‌گاه جمعی موقت برای اسکان کسانی را فراهم کردند که در خانه انصار جایی برای سکونت پیدا نکرده بودند.

۲-۲. حمایت دولتی

پیامبر اکرم ﷺ برای حل مشکل مسکن مهاجران، تنها به همیاری عمومی مردم اکتفا نکردند، بلکه از ظرفیت‌های دولت برای حل این مشکل نیز استفاده نمودند. در این زمینه، ایشان سیاست واگذاری زمین برای ساخت مسکن را به کار گرفتند؛ اقدامی که از آن با عنوان «إقطاع الدور» یاد می‌شود.

جدول ۱: راهبردها و راهکارهای سیاست مسکن نبوی

راهِبرد	راهکار	بعد زمانی
تقویت همیاری عمومی	اسکان موقت مهاجران در منزل انصار	کوتاه‌مدت
همیاری دولتی - مردمی	ایجاد سکونت‌گاه جمعی موقت	میان‌مدت
حمایت دولتی	واگذاری زمین برای ساخت	بلندمدت

رسول خدا ﷺ برای استفاده از ظرفیت‌های دولتی و مردمی در حل مشکل مسکن، راهکارهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدتی را به کار گرفتند که شامل اسکان موقت مهاجران در منزل انصار، ایجاد سکونت‌گاه جمعی موقت و واگذاری زمین برای ساخت می‌شود.

۳. راهکارهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت حل مشکل مسکن

پیامبر اعظم ﷺ برای حل کوتاه‌مدت مشکل مسکن مهاجران در مدینه، به جلب همیاری عمومی انصار و روحیه ایثار آنان متوسل شدند. ایشان از انصار خواستند که مهاجران را به‌صورت موقت در منازل خود اسکان دهند. تحقق این هدف نیاز به پیوستی فرهنگی داشت که با ایجاد پیمان برادری بین مهاجران و انصار محقق شد.

۱-۳. اسکان موقت مهاجران در منازل انصار

قرآن کریم انصار را با صفت نیکوی «ایثارگری» یاد کرده و تصدیق نموده که آنها با وجود فقر و نیاز، ایثار کردند و مهاجران را بر خود مقدم داشتند.^۱ هنگام هجرت، وقتی پیامبر ﷺ سوار بر شتر، وارد مدینه شدند و از کنار منازل انصار عبور کردند، انصار از آن حضرت درخواست می کردند که نزد آنها فرود آیند و منزل اختیار کنند؛^۲ اما ایشان با بیان اینکه «مسیر شتر را باز کنید! این شتر مأمور است» در یک محله فقیرنشین و کنار منزل فقیرترین شخص مدینه به نام ابویوب انصاری فرود آمدند و در منزل او سکنا گزیدند. طبق نقل ها پیامبر ﷺ تا زمان ساخت مسجد، یا یک ماه یا هفت ماه و یا یک سال در منزل ابویوب سکونت داشتند.^۳

پیامبر اعظم ﷺ برای حل موقت مشکل مسکن مهاجران، زمینه سکونت آنان در منزل انصار را فراهم کردند. با توجه به فضای همیاری ایجادشده، انصار برای پذیرایی و اسکان مهاجران در منزل خود، از یکدیگر سبقت می گرفتند. آنها خانه و اموال خود را با مهاجران قسمت کردند.^۴

ابن هشام در السیره النبویه نام مهاجران و میزبانان انصاری آنها را به تفصیل ذکر کرده است (جدول ۲). او ابتدا نام مهاجرانی را که وارد مدینه شدند، آورده است: ابوسلمه و همسرش، عامر بن ربیع و همسرش، عبدالله بن جهش، عبد بن جهش، منقذ بن نباته، سعید بن رقیش، محرز بن نضله، یزید بن رقیش، قیس بن جابر، عمرو بن محسن، مالک بن عمرو، صفوان بن عمرو، ثقف بن عمرو، ربیعه بن اکثم، زبیر بن عبیده، تمام بن عبیده، محمد بن عبدالله، زینب بنت جحش، ام حبیب بنت جحش، جذامه بنت جندل، ام قیس بنت محسن، ام حبیب بنت ثمامه، آمنه بنت رقیش، سخبره بنت تمیم، حمنه بنت جحش، عمر بن خطاب، عیاش بن ابی ربیع و برخی افراد دیگر.

او سپس نام شماری از مهاجران و میزبانان آنان را برشمرده است. منزل شخص مجردی به نام سعد بن خثیمه نیز محل اسکان مجردان شد و به «بیت الأعزب» معروف گردید.^۵

۱. حشر: ۹.

۲. احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۴؛ عبدالملک ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۹۵.

۳. احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۵؛ عبدالملک ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۹۸؛ سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۴، ص ۳۳۵.

۴. ابوالفرج حلبی شافعی، السیره الحلبیه، ج ۲، ص ۳۶۴؛ سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۴، ص ۳۳۵.

۵. عبدالملک ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۶۸-۴۸۰ و ۴۹۳.

جدول ۲: اسامی مهاجران و انصار میزیان

میزبانان انصاری	مهاجران
کثوم بن هدم	حمزة بن عبدالمطلب، زید بن حارثه، ابومرثد بن حصن، مرثد غنویان و ابوکبشه
رفاعة بن عبدالمنذر	ایاس، عاقل، عامر و خالد فرزندان بکیر و پشت سر آنها فرزندان سعد بن لیث و نیز عیاش بن ابی‌ربیع
خیب بن اساف یا اسعد بن زراره	طلحة بن عبدالله و صهیب بن سنان
حفصة بنت عمر	عمر بن خطاب و خانواده و قومش و برادرش زید و عمرو و عبدالله پسران سراقه و خنیس بن حذافه (سعید بن زید، واقد بن عبدالله و خولی و مالک پسران ابی‌خولی هم بعداً ملحق شدند)
عبدالله بن سلمه	عبیده بن حارث، طفیل بن حارث، مسطح بن اثانه، سوبیط بن سعد، طلیح بن عمیر و خباب
سعد بن ربیع	عبدالمحسن بن عوف و مردانی از مهاجران
منذر بن محمد	زبیر بن عوام و ابوسیره
سعد بن معاذ	مصعب بن عمیر
عباد بن بشر	ابوحذیفه بن عتبہ، سالم و عتبہ بن غزوان
اوس بن ثابت	عثمان بن عفان
سعد بن خیمه	مهاجران مجرد

در بعضی مستندات تاریخی آمده است: پس از ازدواج حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام در سال دوم یا سوم هجری، حارثه بن نعمان با اشتیاق فراوان یکی از خانه‌های خود را در اختیار این زوج جوان گذاشت و آنان در آنجا بودند تا زمانی که در نزدیکی پیامبر صلی الله علیه و آله خانه ساختند.^۱

ایثارگری‌ها و مهمان‌نوازی‌های کم‌نظیر انصار در حالی شکل گرفت که تعصبات جاهلی و قبیله‌ای، جنگ و خون‌ریزی و غارت‌گری اعراب تا پیش از اسلام سابقه زیادی داشت.^۲ این قدرت اسلام بود که فرهنگ مزبور را به حاشیه راند و زمینه همیاری را فراهم کرد. این پذیرایی گرم، صمیمانه و برادرانه و اسکان بی‌مزد و منت انصار موجب شد تا در سال‌های اولیه هجرت بار بزرگی از دوش مهاجران و دولت اسلامی در حوزه تأمین مسکن برداشته شود. علاوه بر آن، این ایثار با تأمین حداقلی خوراک، پوشاک و زمینه اشتغال مهاجران توسط انصار تکمیل می‌شد.^۳

۲-۳. ایجاد پیمان برادری

ایثار انصار در اسکان موقت مهاجران در خانه‌های خود و تأمین امکانات ضروری زندگی و شغلی آنها نیازمند تثبیت و استمرار بود که با ایجاد پیمان برادری (مؤاخات) انجام گرفت.^۴ این پیمان ۱۵ یا ۱۸ ماه بعد از هجرت و یا مطابق برخی نقل‌ها هنگام ورود به مدینه بین مهاجران و انصار منعقد شد. تعداد مردانی که پیمان برادری بستند، ۹۰ تا ۱۰۰ تن نقل شده که نیمی از مهاجران و نیمی از انصار بودند.^۵

۱. محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۲؛ سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج ۶، ص ۳۱۵.

۲. صادق آئینه‌وند، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۳۵-۴۶.

۳. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۵۱۳، ذیل آیه ۸-۱۰ حشر.

۴. عبدالملک این‌هشام، السیرة النبویه، ج ۱، ص ۵۰۴-۵۰۷؛ سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج ۲۷، ص ۱۱۱-۱۱۵.

۵. محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۳۸؛ سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج ۵، ص ۹۹-۱۰۱.

سیاست و تدبیر بی نظیر پیامبر اکرم ﷺ در ایجاد پیمان برادری، نه تنها بستر گسترده‌ای برای همکاری و وحدت فراهم کرد، بلکه موجب شد مشکل مسکن مهاجران تا زمانی که آنها توان ساخت یا خرید مسکن پیدا کنند، برطرف گردد. مجمع البیان از ابن عباس نقل می‌کند: رسول خدا ﷺ هنگام تقسیم غنایم بنی‌نضیر به انصار فرمودند: «اگر مایلید اموال، زمین‌ها و خانه‌هایتان را با مهاجران تقسیم کنید و در این غنایم نیز شریک شوید، و اگر نخواستید آنها برای خودتان باشد، ولی چیزی از غنایم به شما نمی‌رسد». انصار گفتند: «هم اموال، زمین‌ها و خانه‌های خود را با آنان تقسیم می‌کنیم و هم غنایم را ایثار می‌کنیم و با آنها شریک نمی‌شویم».^۱

این در حالی است که غزوه بنی‌نضیر در سال دوم و بنابراین بر قولی سال چهارم هجری اتفاق افتاد؛^۲ یعنی تا این سال‌ها مهاجران هنوز در خانه انصار سکونت داشتند. در حقیقت، نبی مکرم ﷺ با کمترین هزینه و بالاترین انگیزه، مشکل اسکان کوتاه‌مدت و میان‌مدت مهاجران را با سیاست «ایجاد برادری و همدلی» حل کردند. این سیاست بسیاری از گره‌ها و معضلات دیگر اجتماعی و اقتصادی جامعه نبوی را نیز در ادامه مسیر برطرف کرد.

۳-۳. تأسیس سرپناه عمومی موقت

پیامبر اکرم ﷺ هنگام ورود به مدینه، در نزدیکی محل اسکان خود - مطابق نقلی - از اموال خود زمینی خریدند و اولین مسجد را به‌عنوان یک مرکز سیاسی، عبادی، اجتماعی و حکومتی بنا کردند که به «مسجدالنبی ﷺ» معروف شد.^۳ متصل به این مسجد، مکان سرپوشیده‌ای برای افراد غریب و بی‌خانمان مهیا شد. این مکان که به «صَفّه» معروف بود، منزلگاه نیازمندان بی‌کاشانه و عشیره‌ای بود که شب را در مسجد می‌خوابیدند.^۴

شیخ طبرسی در مجمع البیان ذیل آیه ۲۷۳ سوره بقره از امام باقر ﷺ روایت می‌کند که این آیه درباره اصحاب صَفّه نازل گردیده است و از ابن عباس نقل می‌کند که آنها ۴۰۰ مرد بودند که در مدینه خانه و عشیره‌ای نداشتند.^۵ این افراد که «أضياف الاسلام» هم خوانده می‌شدند، مهاجران فقیری بودند که روزها وارد بازار می‌شدند و شب‌ها قرآن می‌آموختند.^۶ البته با توجه به ورود تدریجی مهاجران به مدینه و نیز امکانات و ظرفیت محدود مکان صَفّه برای اسکان همزمان این تعداد زیاد، دور از ذهن نیست که تعداد ۴۰۰ تن مجموع افرادی باشد که در طول یک دوره زمانی در صَفّه سکنا گزیدند.

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۳۹۰.

۲. سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، همان، ج ۹، ص ۶۶-۶۸.

۳. همان، ج ۵، ص ۷۷؛ ج ۱۵، ص ۱۶۲.

۴. عبدالحی کتانی، نظام الحکومة النبویه، ج ۲، ص ۳۸.

۵. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۶۶۶.

۶. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۳، ص ۱۰۶۵؛ ابواسحاق احمد ثعلبی، تفسیر الثعلبی (الکشف و البیان)، ج ۲، ص ۲۷۵.

پیامبر گرامی ﷺ خود را متعهد به حمایت از این نیازمندان می‌دانستند و برای آنها غذا می‌بردند و با آنان مجالست و مؤانست داشتند،^۱ تا زمانی که به تدریج، با افزایش رفاه و درآمد و یا حمایت‌های مردمی و دولتی صاحب مسکن شدند.

۴. راهکارهای بلندمدت حل مشکل مسکن

«واگذاری زمین برای ساخت مسکن» راهکار بلندمدت نبی مکرم ﷺ برای حل مشکل مسکن و ثبات در این بازار بود. ایشان با این اقدام، از اختیارات و مالکیت دولت به مثابه یک بازوی توانمند حاکمیت اسلامی در جهت تأمین منافع اجتماعی استفاده کردند.

«توانمندسازی افراد برای ساخت مسکن از منابع حاصل از غنایم و کمک‌های خیرخواهانه» نیز راهکار دیگری برای حل مشکل مسکن بود.

۱-۴. واگذاری زمین (إقطاع الدور)

«إقطاع» (واگذاری زمین برای مقاصد گوناگون) یکی از سیاست‌های مهم نبوی برای حل پایدار مشکلات اقتصادی در حوزه‌هایی مانند کشاورزی و مسکن بود. با هجرت نبی مکرم ﷺ سیاست واگذاری زمین آغاز گردید و اقطاع‌های زیادی در زمان ایشان در تاریخ به ثبت رسیده است.^۲ إقطاع اراضی شامل زمین‌های موات، انفال، فئ، خانه‌ها و روستاهای ویران و خالی از سکنه، ترکهٔ مردگان بی‌وارث، مراتع و منابع طبیعی و گاهی حتی آب و حق آبیاری می‌شد. إقطاع در بیشتر موارد اختصاص به نیازمندان و کم‌درآمدان داشت. زمین تحت اختیار یک شخص قرار می‌گرفت تا برای استفادهٔ زراعی، صنعتی، تجاری و مسکونی و یا استخراج معادن و فواید، آن را احیا کند.^۳ این بهره‌برداری و احیا آن زمین مرده را وارد چرخهٔ اقتصاد و ایجاد ارزش افزوده می‌کرد. یکی از موارد إقطاع اراضی، «إقطاع الدور» بود که به معنای واگذاری و اعطای عرصه برای بنای خانه است و در مستندات تاریخی و کتب فقهی به آن تصریح شده است.^۴ این سیاست نوعی کمک به مهاجران بی‌خانمان برای تأمین مسکن دائمی بود.

۱. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۰۲.

۲. ر.ک. محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۷۳؛ احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۸۸، ۱۱۱؛ علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۳، فصل ۱۳ (الإقطاعات).

۳. سید محمود هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج ۱، ص ۶۵۳؛ سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج ۲۷، ص ۳۰۰-۳۰۸.

۴. محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۳، ص ۲۷۴؛ محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۳۸، ص ۵۵؛ نجم‌الدین جعفر بن حسن محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۳، ص ۲۱۸؛ علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۳۵۰؛ ج ۳، ص ۵۴۳.

۲-۴. توانمندسازی ساخت مسکن

درباره حمایت و تأمین مالی ساخت مسکن از سوی پیامبر ﷺ بعد از واگذاری زمین، اسناد خاصی یافت نشد؛ ولی رسول خدا ﷺ و انصار کمک‌ها و اتفاقاتی به مهاجران برای تأمین هزینه‌های زندگی داشتند که می‌توانست آنها را در زمینه ساخت مسکن توانمند کند. علاوه بر آن، غنایم زیادی از جنگ‌ها به دست می‌آمد که پیامبر ﷺ سهم زیادی از آن را بین مسلمانان و لشکریان تقسیم می‌کردند.^۱ این غنایم سرمایه خوبی را برای امرار معاش مهاجران، تأمین امکانات زندگی، اشتغال، تجارت و ساخت مسکن فراهم می‌کرد.

باید توجه داشت که در آن زمان مشکل اصلی برای خانه‌دار شدن مهاجران بی‌خانمان، تأمین زمین بود که توسط حمایت‌های دولتی و مردمی تأمین می‌شد. به سبب سادگی و بی‌آلایشی خانه‌ها و فراهم بودن مصالح برای ساخت یک سرپناه ساده در مدینه، به نظر می‌رسد هزینه ساخت مسکن جزو مشکلات و هزینه‌های سبب خانوارهای کم‌درآمد به‌شمار نمی‌رفت. رسول خدا ﷺ که در همان دوره برای خود خانه ساختند، در خانه خود از چوب درخت خرما و گل و گاه (خشت) که از مصالح فراوان در مدینه بود و به سبب وضعیت جغرافیایی و حاصلخیزی مدینه به وفور یافت می‌شد، استفاده کردند.^۲ سیدجعفر مرتضی عاملی در این باره که آیا ابن مسعود اهل صفه بود یا نه، چنین استدلال می‌کند که پیامبر گرامی ﷺ اول هجرت به ابن مسعود برای ساخت مسکن، زمین واگذار کردند و ساختن خانه هم در آن زمان نیاز به تأمین مالی و اجیر کردن افراد نداشت، بلکه او می‌توانست با سنگ‌چینی و پوشاندن آن، یک مسکن برای خود بسازد.^۳

۵. شیوه واگذاری زمین برای ساخت مسکن

از مستندات به دست می‌آید که حضرت رسول اکرم ﷺ از دو طریق «مشارکت‌های خیرخواهانه» و «حمایت دولت»، زمین لازم برای ساخت مسکن را تأمین کردند. بخشی از زمین‌های تأمین‌شده محصول بخشش انصار بود و بخشی نیز از محل زمین‌های تحت اختیار حاکمیت و دولت اسلامی تأمین شد.

۱-۵. اهدای زمین توسط انصار

انصار هنگام ورود پیامبر ﷺ به مدینه، زمین‌های مازاد خود را به ایشان هبه کردند.^۴ یاقوت حموی در معجم البلدان می‌نویسد: انصار زمین‌های قابل سکونت و آباد خویش را به حضرت رسول ﷺ اهدا کردند. آن حضرت نیز بر اساس مصلحت، زمین‌های اهدایی را بین مهاجران تقسیم نمودند. حارثه بن نعمان اولین انصاری بود که زمین‌ها و منازلش را اهدا کرد.^۵

۱. محمدبن عمر واقدی، مغازی، ج ۱، ص ۱۹۸؛ محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۵۲.

۲. اصغر قائدان، معماری مساجد و ابنیه در عصر پیامبر ﷺ، ص ۱۲۱.

۳. سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج ۲۷، ص ۹۳.

۴. احمد بن یحیی بلادری، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۵؛ ابوالفرج حلبی شافعی، السیرة الحلبیه، ج ۲، ص ۱۲۱؛ سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة

النبی الأعظم، ج ۲۷، ص ۳۰۵.

۵. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۸۶.

۲-۵. واگذاری زمین‌های موات

دومین منبع تأمین زمین برای ساخت مسکن، اراضی موات و بایر بود. نبی مکرم ﷺ زمین‌های موات و زمین‌هایی را که ملک کسی نبود در داخل شهر و اطراف آن برای خانه‌سازی به مهاجران واگذار کردند.^۱ شیخ طبرسی نقل می‌کند که پیامبر ﷺ زمین‌هایی را پیرامون مسجدالنبی ﷺ برای اصحاب مرزبندی و بین آنها تقسیم کردند و آنها در آنجا خانه ساختند.^۲ بنا بر کتب و مستندات تاریخی، اقطاع‌های زیادی از سوی رسول الله ﷺ واگذار شده که بخشی از آنها از اقطاع‌الدور و واگذاری زمین - اعم از اراضی موات یا هبی انصار - برای مسکن بوده است.

علی احمدی میانجی در مکاتیب الرسول به تفصیل و مستند، نام افراد و اقطاع‌ها را برشمرده است.^۳ برخی از این واگذاری‌ها به شرح ذیل است:

- اقطاع زمین‌هایی به بنی‌زهره پشت مسجدالنبی ﷺ؛
- عبدالله و عتبه پسران مسعود الهذلیین کنار مسجدالنبی ﷺ؛^۴
- عبدالله بن مسعود پشت ساختمان‌های انصار؛^۵
- زبیر بن عوام در موضع بقیع^۶ که خانه‌های زیادی در این منطقه بنا گردید.^۷
- نوفل بن حارث در کنار مسجدالنبی ﷺ و نیز کنار بازار؛
- عبیده بن حارث و طفیل و برادرانش مکانی بین بقیع الزبیر و بنی‌مازن؛
- مقداد در بنی‌حدیله؛^۸
- محمد بن عبدالله بن جحش در بازار رقیق؛^۹
- واگذاری‌های دیگری نیز به مهاجرانی مانند طلحة بن عبیدالله، ابوبکر، عثمان بن عفان، خالد بن ولید، عباس بن عبدالمطلب، عمار بن یاسر، ضمیر بن سعد، شفاء بنت عبدالله، ارقم بن ارقم و سایر افراد انجام گرفت که در منابع مهم تاریخی ذکر شده است.^{۱۰}

۱. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۸۶؛ ابوالفرج حلبی شافعی، السیرة الحلییه، ج ۲، ص ۱۲۱؛ علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۳۵۰.
 ۲. فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۱، ص ۱۵۹؛ سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج ۲۷، ص ۹۲.
 ۳. ر.ک. علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول.
 ۴. محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۵۲؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۸۶؛ ابوزید ابن شیه، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۲۴۲.
 ۵. محمد بن حسن طوسی، المیسوط فی فقه الامامیه، ج ۳، ص ۲۷۴؛ سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج ۲۷، ص ۹۲.
 ۶. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۸۶.
 ۷. ابوزید ابن شیه، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۲۴۲.
 ۸. محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۵۱ و ۱۶۱؛ ج ۴، ص ۴۶.
 ۹. علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۳۵۴.
 ۱۰. ر.ک. محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۵۱؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۸۳؛ ابوزید ابن شیه، تاریخ المدینه، ج ۳، ص ۹۵۵؛ علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۳۵۰.

در مستندات تاریخی قریب سی إقطاع از سوی پیامبر ﷺ برای ساخت مسکن با نام افراد ذکر شده است. به یقین موارد واگذاری بیش از این بوده؛ زیرا در این مستندات برای بعضی از إقطاعات تعبیر «جمع حول مسجدالنبی ﷺ» به کار رفته که تعداد این افراد مشخص نیست. برای افرادی نظیر عباس بن عبدالمطلب و نوفل بن حارث نیز دو عرصه در مکان‌های مختلف واگذار شده که ممکن است شمار این افراد بیش از این باشد؛ زیرا بعضی از اعراب عیال زیادی داشتند. علاوه بر آن، واگذاری‌های بسیاری با عنوان إقطاع اراضی در کتب تاریخی و حدیثی آمده که ممکن است مواردی از آن برای ساخت مسکن بوده باشد؛ اما عنوان کلی واگذاری زمین بر آن خورده است؛ همچنان که ممکن است بعضی افراد در زمین‌هایی که پیامبر ﷺ برای کشاورزی به آنها واگذار کرده در گوشه‌ای از آن خانه ساخته باشند. از این رو نمی‌توان تخمینی از تعداد زمین‌هایی که پیامبر اکرم ﷺ برای خانه‌سازی واگذار کردند، ارائه داد. البته فارغ از بحث إقطاعات، با توجه به اینکه در زمان رسول خدا ﷺ قانون احیای موات وضع و اجرا گردید،^۱ این احتمال وجود دارد که بعضی از افراد بی‌خانمان برخی زمین‌های موات را احیا کرده و به تدریج در آن اسکان یافته باشند.

ع. نتایج سیاست‌گذاری رسول اعظم ﷺ در امر مسکن

پیامبر اعظم ﷺ هنگام مهاجرت به مدینه، با اتخاذ ترکیبی از دو راهبرد «حمایت دولتی» و «تکافل اجتماعی» مشکل مسکن بی‌خانمانان مهاجر را حل کردند. این سیاست مبتنی بر استفاده از «ظرفیت مردمی و سرمایه اجتماعی» و «ظرفیت دولتی و ثروت‌های عمومی» بود. به پشتوانه فعال‌سازی این دو اهرم کارآمد در اقتصاد اسلامی، نبی مکرم ﷺ موفق شدند با استفاده از امکانات عمومی و جلب مشارکت‌های مردمی، علاوه بر اسکان موقت مهاجران در منزل انصار، زمینه را برای تأمین مسکن دائمی آنان فراهم کنند. نتایج درخشان سیاست‌گذاری رسول خدا ﷺ در مدت کوتاهی در جامعه مدینه ظاهر شد و سطح درآمد و رفاه مسلمانان افزایش یافت، به گونه‌ای که در اواخر هجرت، اکثر قریب به اتفاق مهاجران صاحب مسکن، شغل و درآمد مناسب بودند.^۲

پیامبر گرامی ﷺ از طریق این سیاست‌ها تولید و عرضه مسکن را افزایش دادند و نگذاشتند تقاضای ناگهانی و گسترده مهاجران برای مسکن، باعث ایجاد شوک به بازار مسکن و افزایش قیمت آن شود. ایشان با ایجاد فضای همدلی و تعاون، زمینه سوداگری در مسکن را نیز از بین بردند و فضا را به سمت تعاون در اسکان و ساخت مسکن بردند.

بی‌شک موفقیت این سیاست ناشی از پیوست فرهنگی و مردمی قوی آن بود. ایشان با استفاده از ظرفیت مردمی و مشارکت جهادی آنان در تأمین مسکن بی‌خانمانان، توانستند مشکل بزرگ مسکن مهاجران را حل کنند. در این زمینه، ایشان با اجرای پیوست فرهنگی تأمین مسکن، فرهنگ ایثار، برادری و مهمان‌نوازی را ترویج و انگیزه‌های

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۸۰.

۲. سیدکاظم صدر، اقتصاد صدر اسلام، ص ۴۴.

اجتماعی برای کمک به تأمین مسکن نیازمندان را فعال کردند. در نتیجه، صاحبان مسکن مازاد خانه‌های خود را رایگان و با انگیزه الهی در اختیار خانواده‌های کم‌درآمد و زوج‌های جوان قرار دادند.

حضرت رسول ﷺ برای فرهنگ‌سازی تعاون و همیاری، انگیزه‌های درونی تازه‌مسلمانان را تقویت کردند؛ چنان‌که این شیوه انگیزشی در کلام صادق آل‌محمد ﷺ نیز دیده می‌شود که فرمودند: «هرکس خانه‌ای را از سکونت مؤمن نیازمندی دریغ کند، از سکونت در بهشت محروم می‌شود».^۱

استفاده از ظرفیت‌های نهادی در سیاست‌گذاری حضرت رسول ﷺ نیز مشهود است. ایشان از ظرفیت نهاد حاکمیت برای واگذاری زمین به افراد استفاده کردند. به این امر باید ظرفیت نهادهایی همچون «وقف» و سایر سازوکارهای حقوقی برای جلب مشارکت عمومی در رفع مشکل مسکن را نیز اضافه کرد. در این چارچوب اسلامی، ظرفیت قراردادهایی همچون «سُکُنِ»، «رُقْبِی» و «عُمَرِی» برای تأمین مسکن نیازمندان قابل استفاده است. در این عقود، ملک بر ملکیت مالک باقی می‌ماند، اما منفعت و حق استفاده آن به صورت رایگان به دیگری تملیک می‌شود (سُکُنِ). این تملیک برای مدت معین (رُقْبِی) یا مقید به عمر مالک یا ساکن (عُمَرِی) می‌تواند باشد.^۲

در سیاست‌گذاری حضرت رسول ﷺ علاوه بر زمینه‌سازی برای ایجاد مجتمع‌های مسکونی برای نیازمندان (ایجاد سکونت‌گاه در صفه)، زمینه مشارکت خود مردم در تهیه مسکن با آزادسازی و واگذاری اراضی موات برای ساخت مسکن فراهم شد. با اجرای سیاست افزایش عرضه زمین برای ساخت مسکن، زمین و مسکن وارد عرصه کالای سرمایه‌ای نشد و انگیزه‌های احتکار و سفته‌بازی درخصوص آن کاهش یافت. این اقدام حاصل ترکیب دو سیاست «تقویت عرضه مسکن» و «مهار تقاضای سفته‌بازی» بود.

استفاده از این سیاست در فضای تأمین مسکن در کشور مهیاست. دولت می‌تواند اراضی موات را که ثروت‌های عمومی به‌شمار می‌روند، به مردم فاقد مسکن واگذار نماید و از این طریق، با کم کردن هزینه زمین از مسکن، نه تنها به تأمین مسکن کم‌درآمدان کمک کند و نه تنها این بخش را از بازار سوداگری و تجاری خارجی سازد، بلکه موجب مهار تورم این بخش و ممانعت از سرایت آن به بخش‌های دیگر اقتصاد شود که نفع آن به عموم مردم برمی‌گردد.

۷. اصول سیاست‌گذاری نبوی در حوزه مسکن

با بررسی سیره نبوی در زمینه سیاست‌گذاری تأمین مسکن، می‌توان اصولی را استخراج کرد:

۷-۱. اصل اقدام کوتاه‌مدت و برنامه‌ریزی بلندمدت

مسکن نیازی فوری مردم بود. از این رو پیامبر اکرم ﷺ از اقدامات کوتاه‌مدت استفاده نمودند؛ اما در کنار آن برنامه‌ریزی بلندمدت ضرورت داشت؛ زیرا، هم ظرفیت مردمی در بلندمدت جوابگوی تقاضا و نیازهای ضروری

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۶۷.

۲. سیدمحمود هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ج ۴، ص ۳۹۵.

زندگی، به‌ویژه مسکن نبود و هم رسول خدا ﷺ به‌عنوان حاکم اسلامی می‌خواستند مسلمانان بر اساس کار و خوداتکایی کسب درآمد و رفاه کنند. ایشان می‌کوشیدند از یک‌سو با تأمین سرمایه اولیه و ایجاد فضای کسب‌وکار از طریق انفاقات، غنایم و ترویج عقود مشارکتی «مضاربه»، «مساقات» و «مزارعه»^۱ و از سوی دیگر، واگذاری زمین برای ساخت مسکن، در بلندمدت امکانات ضروری و رفاهی مهاجران را فراهم کنند. با این اقدام، هم عرضه مسکن و هم توانایی ساخت آن افزایش یافت.

۲-۷. اصل همسوسازی نفع شخصی با منافع اجتماعی و دخالت هدفمند دولت در جهت تأمین مصالح عمومی ترویج فرهنگ ایثار، همبازی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازوکاری بی‌بدیل برای مهار عرضه محتکرانه و تقاضای سوداگرانه در بازار مسکن است. دخالت و استفاده هدفمند دولت از مالکیت و اختیارات خویش، موجب افزایش عرضه زمین و خروج مسکن از تورم و بازار سوداگری می‌شود که به نفع مصالح عمومی است.

۳-۷. اصل واگذاری تملیکی

مستندات ظهور در این دارند که اقطاع پیامبر ﷺ برای ساخت مسکن از نوع تملیک زمین بوده است^۲ و شواهد روشنی دال بر موقت یا عمری و رقبی بودن آن وجود ندارد؛^۳ چنان‌که در متون فقهی از واگذاری زمین یا منافع آن به «قطاع تملیک» تعبیر می‌شود.^۴

۴-۷. اصل واگذاری مشروط زمین

هرچند مستندات تاریخی اقطاع الدور را به طور مطلق و مجمل بیان نموده و شروط آن را ذکر نکرده‌اند، اما اقطاع اراضی به طور عام، غالباً مشروط به شرایطی همچون اسلام، ایمان، احیا و اصلاح بود.^۵ فرد باید توانایی احیای زمین موات را داشته باشد. بر این اساس، اگر کسی که زمین به او واگذار شده است احیای زمین را ترک کند، بین احیا و رهاکردن آن مخیر می‌شود و در صورت عذر، به او مهلت داده می‌شود. چنانچه وی بدون عذر زمین را احیا نکند زمین از او پس گرفته می‌شود.^۶

۱. سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، ج ۹، ص ۲۴۷.

۲. عبدالرحمن بن احمد ابن رجب، الاستخراج لاحکام الخراج، ص ۶۴۱ و ۶۹۶: حسن بن يوسف حلی، تذکرة الفقهاء، ج ۲، ص ۴۱۱؛ علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۳، ص ۴۳۵.

۳. جمال موسوی، «قطاع در عهد پیامبر ﷺ»، ص ۱۴۸.

۴. سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت ﷺ، ج ۱، ص ۶۵۴.

۵. رک. محمد ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۷۳؛ عبدالحی کتانی، نظام الحکومة النبویه، ج ۱، ص ۱۶۳؛ سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، ج ۲۷، ص ۳۰۰-۳۰۸؛ علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، فصل ۱۳: الإقطاعات.

۶. سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت ﷺ، ج ۱، ص ۶۵۴.

۸. مشکلات مسکن در ایران و مشابهت‌های تاریخی

در ایران تهیه مسکن سهم بالایی را در سبد هزینه‌ای خانوارها به خود اختصاص می‌دهد. این مشکل معلول چند علت در اقتصاد ایران است:

اول. تورم مزمن عمومی که بخش مسکن را نیز گرفتار کرده و دائم در حال افزایش است و موجب پایین آمدن نرخ دسترسی‌پذیری مردم به کالاهای ضروری، از جمله مسکن در کل کشور شده است.

دوم. در کشور ما به سبب تبدیل شدن زمین و مسکن به کالای سرمایه‌ای، بازار ملک و مسکن به ابزاری برای سفته‌بازی و سوداگری تبدیل شده که گسیل نقدینگی، احتکار زمین و مسکن و انباشت خانه‌های خالی را به دنبال داشته است. از این رو عرضه مسکن دچار کاهش شده و بر تورم این بازار به طور خاص دامن زده شده است. معاونت اقتصادی وزارت «امور اقتصادی و دارایی» در سال ۱۳۹۵ از وجود ۲/۶ میلیون واحد خالی در کشور^۱ و مدیرکل راه و شهرسازی استان تهران در سال ۱۴۰۲ از وجود ۱۲۰ هزار خانه خالی در استان تهران خبر داد.^۲

سوم. نیاز حیاتی و فوری مردم به خرید یا اجاره مسکن و سرپناه سبب می‌شود که با وجود تورم شدید، همواره تقاضای بالایی در این بخش وجود داشته باشد. تقاضای سرمایه‌ای نیز بر این حجم تقاضا و بر تورم دامن می‌زند این حجم گسترده تقاضا در حالی است که به سبب احتکار، سوداگری و نیز کمبود عرضه زمین، طرف عرضه جوابگوی این تقاضا نیست.

مشکل مسکن در ایران کنونی با وضعیت مسکن در سال‌های ابتدایی هجرت از چند جهت مشابهت دارد: یکم. حجم بالای تقاضا که در برخی اوقات سال مانند فصل جابه‌جایی مستأجران تبدیل به شوک تقاضا می‌شود. دوم. وجود خانه‌های خالی در کشور که در صدر اسلام نیز بعضی از انصار و ساکنان مدینه مالک خانه‌ها و زمین‌های مسکونی متعددی بودند.

سوم. وجود اراضی موات و دولتی در صدر اسلام و در ایران که قابل واگذاری و عرضه شدن است. چهارم. روحیه جهادی، ایثارگری و اخلاص در انصار و در مردم ایران که در برهه‌های حساس ظهور کرده است. به سبب وجود این مشابهت‌ها، می‌توان دلالت‌هایی را از راهبردهای نبوی در حوزه سیاست‌گذاری مسکن برای وضعیت کنونی مسکن در ایران دریافت کرد. البته روشن است که وجود مشابهت‌ها به معنای فقدان موانع و محدودیت‌ها برای اجرای سیاست‌های مذکور در زمان حاضر نیست، بلکه مقصود آن است که اصول و خطوط راهگشایی در سیره نبوی به عنوان الگوی جامعه اسلامی مطرح شده که جوامع اسلامی لازم است تا حد امکان محدودیت‌ها و موانع اجرای آن را از میان بردارند.

۱. قدس آنلاین، <https://www.qudsonline.ir/news/586432>

۲. خبرگزاری فارس، <https://www.farsnews.ir/tehran/news/14020205000581>

برای نمونه، در زمان حاضر بیشتر خانه‌های خالی در دست ثروتمندان است و آنها لزوماً انگیزه زیادی برای اقدامات خیرخواهانه ندارند. آیا نمی‌شود با برنامه بلندمدت تربیت اقتصادی و ایجاد فضای همدلی در جامعه، انگیزه‌های خیرخواهی را برای این دسته از افراد نیز تحریک کرد؛ نظیر انگیزه‌هایی که برای خیران مدرسه‌ساز ایجاد شده است؟ ممکن است گفته شود: هزینه احیای موات و ساخت مسکن در حال حاضر بسیار بالاست، به گونه‌ای که حتی با سیاست‌های نبوی نیز طبقات ضعیف قادر به خانه‌دار شدن نیستند. اما باید توجه داشت که اولاً، سیاست واگذاری زمین گرچه نتواند نیاز همه افراد فاقد مسکن را تأمین کند، اما می‌تواند با کم کردن هزینه زمین، بخشی از طبقات با درآمد متوسط یا کمتر را به سمت خانه‌دار شدن سوق دهد. ثانیاً، دولت می‌تواند با به کارگیری سیاست‌های مکمل تسهیلاتی و حمایتی، بستر را برای اجرای سیاست اصلی فراهم سازد.

۹. دلالت‌های سیاستی سیره نبوی برای حل چالش مسکن در ایران

پس از بررسی سیره نبوی در حل مشکل مسکن، این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان از این راهبردها و راهکارها برای حل مشکلات اقتصادی کنونی کشور استفاده کرد؟ همان گونه که در بحث پیشین گذشت، به سبب مشابهِت‌های تاریخی در زمینه وضعیت کنونی مسکن در ایران با صدر اسلام، تجربه رسول اکرم ﷺ می‌تواند راهگشای معضل بخش مسکن در کوتاه‌مدت و بلندمدت باشد. رویکرد «تقویت همیاری و مشارکت مردمی» می‌تواند ظرفیت سرمایه اجتماعی را برای حل مشکل کوتاه‌مدت و حتی بلندمدت مسکن به کار گیرد.

استفاده از ظرفیت «حمایت دولت و توزیع ثروت‌های عمومی به نفع طبقات محروم و کم‌درآمد در قالب واگذاری و احیای زمین‌های موات و بایر»، هم هزینه تمام‌شده تهیه مسکن را بسیار کاهش می‌دهد و هم بازار مسکن را از انگیزه‌های سوداگرانه نجات می‌دهد، به گونه‌ای که در درازمدت ثبات را به این بازار برمی‌گرداند. با توجه به رویکرد و تجربه نبوی، راهکارهایی را برای برون‌رفت از وضعیت کنونی مسکن در ایران، ذیل دو راهبرد «همیاری عمومی» و «حمایت دولتی» ارائه می‌دهیم:

۹-۱. راهبرد همیاری عمومی

در این راهبرد استفاده از ظرفیت مردمی و بخش اجتماعی اقتصاد می‌تواند گره کوتاه‌مدت و حتی بلندمدت معضل مسکن را باز کند. راهکارهای اجرای این راهبرد عبارتند از:

الف. ترویج فرهنگ ایثار، برادری و مهمان‌نوازی و نیز جهت‌دهی منافع شخصی به سمت منافع اجتماعی که موجب می‌شود صاحبان مسکن مازاد خانه‌های خود را رایگان یا با اجاره پایین در اختیار کم‌درآمدان و زوج‌های جوان قرار دهند. فضا سازی برای این فرهنگ و تبدیل آن به فرهنگ غالب، از امور ضروری است.

ب. فرهنگ تبشیر و انذار می‌تواند بر نظام بینشی و انگیزشی مردم در این زمینه اثرگذار باشد. این فرهنگ‌سازی باید در برنامه‌ریزی پیشرفت مد نظر قرار گیرد و توسط نهادهای فرهنگ‌سازی مانند آموزش و پرورش و رسانه‌های عمومی دنبال

شود. این مهم نشان می‌دهد «برنامه بلندمدت تربیت اقتصادی» نیاز ضروری نهاد آموزش و پرورش است تا فرهنگ و مفاهیم اقتصادی را بر پایه مبانی هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی اسلام از سنین آغازین تحصیلی به جامعه منتقل و رفتارسازی کند. در این زمینه، تدوین پیوست فرهنگی مسکن برای نظام آموزشی و رسانه‌ای کشور ضروری است.

ج. صاحبان مسکن مازاد در صورت اسکان رایگان یا اجاره آن به نیازمندان و کم‌درآمدان، بتوانند از معافیت‌های مالیاتی مربوط به مسکن یا سایر انواع مالیات برخوردار گردند.

د. ترویج فرهنگ ساخت مسکن برای محرومان مشابه فرهنگ «مدرسه‌سازی» توسط خیران (خیران مسکن‌ساز) می‌تواند بخشی از نیاز به مسکن را برطرف کند.

هـ. فرهنگ «وقف» میراث ماندگار اهل بیت علیهم‌السلام بوده که سیره مستمر مؤمنان از عصر معصومان علیهم‌السلام تاکنون در این زمینه جریان داشته است. ترویج فرهنگ «وقف خانه برای اسکان محرومان و کم‌درآمدان و نیز زوج‌های جوان برای مدت معین» می‌تواند در این حوزه مشکل‌گشا باشد. در این زمینه، انتشار «اوراق وقف مسکن» می‌تواند سرمایه‌های خیرخواهانه کوچک را برای این کار بسیج کند و علایق نوع‌دوستانه مردم را برانگیزاند. بیشتر مردم ممکن است توانایی وقف مسکن را نداشته باشند، اما آنان با خریداری اوراق وقف در این فعالیت عام‌المنفعه شریک می‌شوند. و. ترویج عقود «سُکْنی»، «رُقْبی» و «عُمَری»؛ در این عقود ملک بر ملکیت مالک باقی می‌ماند، اما منفعت و حق استفاده آن به صورت رایگان به دیگری تملیک می‌شود (سُکْنی). این تملیک برای مدت معین (رُقْبی) یا مقید به عمر مالک یا ساکن (عُمَری) می‌تواند باشد.

۲-۹. حمایت دولتی

حل مشکل مسکن در ایران با توجه به افزایش شدید تورم، نیازمند حمایت‌های دولت در زمینه‌های گوناگون، به‌ویژه در زمینه تأمین زمین موردنیاز است. با توجه به گستره مالکیتی دولت و اختیاراتی که اسلام به دولت برای بهره‌گیری از ثروت‌های عمومی به نفع مصالح جامعه داده است، دولت می‌تواند اقدامات ذیل را برای حل بلندمدت چالش مسکن انجام دهد:

۱. دولت با استفاده از مالکیت‌ها و درآمدهای خود می‌تواند در شهرهای گوناگون اقدام به ساخت خانه و مجتمع‌های مسکونی رایگان یا کم‌اجاره کند. خانواده‌های کم‌درآمد یا زوج‌های جوان می‌توانند برای مدت معلوم از این امکانات استفاده کنند.

۲. آزادسازی و واگذاری اراضی موات برای ساخت مسکن، در کنار سیاست‌های پیشین در زمینه خانه و عرصه، موجب افزایش عرضه در این بازار شده، زمین و مسکن را از عنوان کالای تجاری و از سبب تجارت خارج می‌کند. نگاه سوداگرانه به این بخش، انحصار و احتکار به دنبال دارد و رقابت کاذب و افزایش هزینه ایجاد می‌کند. در این سیاست دولت می‌تواند اراضی موات را به مثابه ثروت‌های عمومی به مردم فاقد مسکن واگذار کند و از این طریق، با کم کردن هزینه زمین از مسکن، نه تنها به تأمین مسکن کم‌درآمدان کمک کند و زمین را از بازار سوداگری و تجاری خارج سازد، بلکه موجب مهار تورم این بخش و ممانعت از سرایت آن به بخش‌های دیگر اقتصاد شود. در قانون «نحوه

واگذاری و احیای اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران» (مصوب ۱۳۵۸/۶/۲۵) و «قانون زمین شهری» (مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲) نیز به این امکان توسط دولت برای احیای زمین‌های موات و استفاده عمرانی از آن اشاره شده و دست دولت را برای واگذاری زمین باز گذاشته است.

جدول ۳: سیاست‌گذاری مسکن نبوی و رهیافت‌های آن برای حل مشکلات مسکن در ایران

سیاست‌گذاری پیامبر ﷺ در حوزه مسکن	راهبرد	رهیافت و دلالت‌های سیاستی
ترویج فرهنگ ایثار و مهمان‌نوازی و ایجاد پیمان برادری	همیاری عمومی و استفاده از سرمایه اجتماعی (مردمی‌سازی)	- فرهنگ‌سازی و ترویج فرهنگ ایثار، برادری و مهمان‌نوازی و فرهنگ تبشیر و انذار؛ - جهت‌دهی نفع شخصی به سمت منافع اجتماعی؛ - معافیت‌های مالیاتی برای اسکان رایگان یا کم‌اجاره؛ - تشویق خیران مسکن‌ساز؛ - ترویج فرهنگ وقف و انتشار اوراق وقف مسکن؛ - ترویج عقود سکنی، رقبی و عمری.
اسکان موقت با ساخت سرپناه موقت صفه و اسکان دائمی با اقطاع و واگذاری زمین برای ساخت مسکن	راهبرد حمایت دولتی	- ساخت خانه‌ها و مجتمع‌های مسکونی رایگان یا کم‌اجاره برای اسکان موقت کم‌درآمدان برای مدت معلوم؛ - آزادسازی و واگذاری اراضی موات برای ساخت مسکن به منظور کاهش هزینه ساخت مسکن و خروج آن از سبب تجارت و سوداگری.

نتیجه‌گیری

هنگامی که پیامبر اعظم ﷺ همراه با مهاجران به مدینه مهاجرت کردند؛ بیش از یک‌صد خانوار نیاز فوری به خانه داشتند. معلوم بود که ورود این حجم از تقاضا به بازار مسکن مدینه می‌تواند قیمت مسکن و اجاره‌بها را به‌شدت افزایش دهد. اما رسول خدا ﷺ به‌جای استفاده از راهبرد بازاری برای حل این مشکل، از ترکیبی از «مشارکت مردمی» و «حمایت دولتی» برای حل کوتاه‌مدت و بلندمدت مشکل مسکن مهاجران استفاده کردند.

ایشان از یک‌سو با واگذاری زمین برای ساخت خانه (إقطاع الدور) و ایجاد سکونت‌گاه اجتماعی (صفه) در کنار مسجد نبوی، نیازمندان به مسکن را از حمایت دولتی برخوردار کردند. آن حضرت تمام بار تأمین مسکن مهاجران را بر دوش دولت نگذاشتند، بلکه با تقویت «تکافل اجتماعی» از ظرفیت خیرخواهی مردم برای حل مشکل این مشکل استفاده کردند. این رویکرد موجب شد انصار با اشتیاق، مهاجران را در منازل خود جای دهند و حتی بخشی از اموالشان را با آنان تقسیم کنند.

وضعیت مسکن در دوره هجرت با وضعیت کنونی مسکن در کشورمان شباهت‌های زیادی دارد. با توجه به تورم بالای حوزه مسکن، بسیاری از افراد با مشکل تأمین مسکن شخصی یا استیجاری مواجه‌اند. از سوی دیگر، به واسطه مشکلات موجود در تولید و عرضه مسکن و وجود تعداد زیادی خانه خالی، فشار مضاعفی به اقشار محروم وارد می‌شود. این در حالی است که می‌توان از ظرفیت حمایت دولتی و مشارکت مردمی برای حل این مشکل در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت استفاده کرد.

سیره حضرت رسول ﷺ در حل مشکل مسکن در صدر اسلام، دلالت‌های سیاستی ارزشمندی برای حل مشکلات کنونی مسکن در کشور دارد. در این زمینه می‌توان علاوه بر تقویت همیاری عمومی در اسکان افراد فاقد مسکن، از سیاست عرضه گسترده زمین برای ساخت مسکن استفاده کرد. اگر عرضه گسترده زمین به نیازمندان مسکن با الگوی ساخت تدریجی توسط خود متقاضیان همراه شود و به جای رویکرد توسعه عمودی شهرها به سمت توسعه افقی برویم، حضور خود مردم برای حل مشکل بسیار راهگشاست.

ایجاد سکونت‌گاه‌های اجتماعی رایگان یا استیجاری برای اقشار محروم نیز می‌تواند بخشی از رویکرد حمایتی دولت و نهادهای دولتی، همچون شهرداری‌ها برای حل مشکل مسکن باشد. برای تقویت مشارکت مردم در ساخت و اجاره مسکن نیز می‌توان از ظرفیت نهادهایی همچون «وقف» و مشارکت‌های خیرخواهانه بهره‌مند شد. برای این منظور باید پیوست فرهنگی مدونی برای حل مشکل مسکن داشت و از ظرفیت رسانه‌ها برای فرهنگ‌سازی خیرخواهی در حوزه مسکن استفاده کرد.



منابع

- ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد، «الاستخراج لاحکام الخراج»، در: *فی التراث الاقتصادي*، بیروت، دارالحدائث، ۱۹۹۰.
- ابن سعد، محمد بن سعد، *الطبقات الکبری*، بیروت، دارصادر، ۱۹۶۰.
- ابن شیه، ابوزید، *تاریخ المدینه*، جدّه، بی نا، ۱۳۹۹ق.
- ابن هشام، عبدالملک، *السیره النبویه*، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- احمدی میانجی، علی، *مکاتیب الرسول ﷺ*، قم، دارالحديث، ۱۴۱۹ق.
- آئینه‌وند، صادق، *تاریخ سیاسی اسلام*، تهران، دانشگاه تهران، بی تا.
- بلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، قاهره، مکتبه النهضة المصریه، ۱۹۵۶.
- ثعلبی، ابواسحاق احمد، *تفسیر الثعلبی (الکشف و البیان)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- حلبی شافعی، علی بن ابراهیم، *السیره الحلبیه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- حلی، حسن بن یوسف، *تذکره الفقهاء*، نجف، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، بی تا.
- حموی، یاقوت، *معجم البلدان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ق.
- زینلی، بهمن، «تحلیلی بر شیوه مواجهه پیامبر ﷺ با چالش‌های مهاجران در مدینه (مطالعه موردی: کمبود مسکن، فقر و بیکاری)»، ۱۳۹۹، *تاریخ اسلام و ایران*، ش ۴۷، ص ۱۳۴-۱۰۹.
- سجادی، صادق، «إقطاع»، در: *دانشنامه ایران*، ۱۳۹۹.
- صدر، سید کاظم، *اقتصاد صدر اسلام*، چ دوم، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
- طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، قم، آل البيت ﷺ، ۱۴۱۷ق.
- ____، *معجم البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- طوسی، محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ق.
- عاملی، سیدجعفر مرتضی، *الصحيح من سيرة النبي الأعظم ﷺ*، قم، دارالحديث، ۱۴۲۶ق.
- قائدان، اصغر، «معماری مساجد و ابنیه در عصر پیامبر ﷺ»، ۱۳۸۶، *میقات حج*، ش ۷، ص ۱۰۶-۱۳۰.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، ط. الثالثه، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
- کنانی، عبدالحی، *نظام الحکومه النبویه المسمی الترتیب الاداریه*، بیروت، دارالأرقم، بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
- محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن، *سرائع الاسلام*، ط. الثانيه، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، چ دهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷.
- موسوی، جمال، «إقطاع در عهد پیامبر ﷺ»، ۱۳۷۷، *مقالات و بررسی‌ها، دوره شصت و سوم*، ش ۱۳۷۷، ص ۱۵۲-۱۳۷.
- نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح سرائع الإسلام*، ط. السابعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ق.
- واقفی، محمد بن عمر، *المغازی، تحقیق مارسدن جونس*، بیروت، دارالأعلی، ۱۴۰۹ق.
- هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت ﷺ*، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۹.
- قدس آنالین، <https://www.qudsonline.ir/news/586432>.
- خبرگزاری فارس، <https://www.farsnews.ir/tehran/news/14020205000581>.